



صلاح مازوجی

## درس‌های خیزش انقلابی آبان ۱۳۹۸

اکنون جای هیچ تردیدی نیست که جمهوری اسلامی پروسه تصمیم‌گیری و اجرای افزایش قیمت بنزین را به عنوان یک پروژه کاملاً امنیتی طراحی کرد، بطوریکه نه تنها مردم، بلکه حتی نمایندگان مجلس و بخش زیادی از نهادهای حکومتی از آن اطلاع نداشتند. حکومت با اعلام و اجرای تقریباً همزمان افزایش قیمت بنزین و غافلگیر کردن همگان و با آرایش جنگی که به نیروهای سرکوب داده بود، عملاً تهیدستان شهری را به قیام کشاند تا آنان را در همان لحظات اول به گونه‌ای خونین سرکوب کند. دشمن می‌خواست یک روزه به "غائله آشوبگران" پایان دهد. اما طغیان این تهیدستان به حاشیه رانده شده و سرعت خیره‌کننده سراسری شدن خیزش آنان بار دیگر نشان داد که چه تحول تاریخی شگرفی در ایران در حال تکوین است. اگر برافروختگی جوانان پرشور و جان‌برکف با مشت‌های گره کرده واکنشی بود به این تعرض ناگهانی و غافلگیرکننده، اما گسترش صاعقه‌آسای این موج خروشان به بیش از یک صد شهر ایران و به جنبش درآمدن همزمان تهیدستان گرفتار در اعماق فقر که راهی برای عقب نشینی نداشتند بازتاب فلاکت اقتصادی و محرومیت‌های اجتماعی و سیاسی بود که حاکمیت دین و سرمایه طی چهار دهه به آنان تحمیل کرده بود. اگر پیامد ویرانگر سیاست‌های اقتصادی، رانت‌خواری، تحمیل هزینه سنگین مداخله‌گری‌های سیاسی و نظامی در کانون‌های بحران منطقه به مردم ایران، اختلاس و دزدی‌های هزاران میلیارد تومانی و جنایات هولناکی که سران این رژیم در حق مردم ایران انجام داده‌اند طی چهار دهه گذشته زمینه‌های عینی خیزش آبان ماه ←



اطلاعیه مشترک  
نیروهای چپ و کمونیست  
مبارزه انقلابی  
علیه جمهوری اسلامی  
ادامه دارد!  
اسرایمان را  
آزاد می‌کنیم!



## اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به مناسبت ۲۵ نوامبر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان



## اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو

## جنبش کارگری و خیزش اخیر! در گفتگو با خسرو بوکانی

تشکل‌های مستقل کارگری!  
سخنان هلمت احمدیان  
در میزگرد تلویزیون برابری

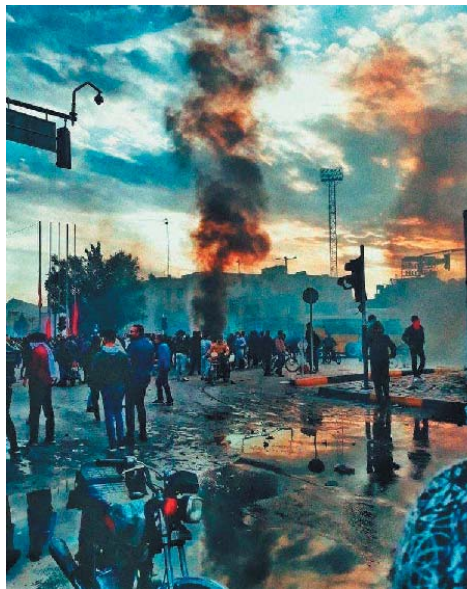


را خودشان تعیین کنند. اگر در چنین موقعیتی قرار می گرفتند، تجربه و برخورد عقلانی ایجاب می کرد که تاکتیک ها و روش هایی را در پیش گیرند که به تداوم و توده ای شدن اعتراضات و زمینگیر کردن ماشین سرکوب کمک کند. از آنجا که نیروهای سرکوبگر از همان لحظات اول سر و سینه معترضان را نشانه گرفتند و جوی خون راه انداختند، معترضان هم راهی نداشتند جز اینکه با هر وسیله ای که در دست داشتند به مقابله برخیزند. در حالی که معترضان نه تدارکی دیده بودند و نه آمادگی این را داشتند که به نبرد نهایی بیاورند، اما نبوغ خود را در اتخاذ تاکتیک های مناسب نشان دادند. جوانان پرشور با تاکتیک بستن اتوبان ها، خیابان ها و چهار راه ها سعی کردند مانع تحرک سریع نیروهای سرکوبگر برای رسیدن به محل تجمع معترضان شوند و از طرف دیگر با اعتراضات موضعی در نقاط مختلف شهر نیروی دشمن را پراکنده کردند.

زمانی که معترضان در مقابل دشمنی که نبردی مشابه نبرد نهایی را تحمیل کرده بود خود را بدون سلاح یافتند، با دست خالی اما سرشار از شجاعت و از خود گذشتگی به مراکز مذهبی و بانک ها این نمادهای حاکمیت دین و سرمایه حمله کردند، این مراکز را به آتش کشیدند و گوشه ای از قدرت قهر انقلابی در مقابله با قهر ضد انقلاب را به دشمن نشان دادند. کارگران مجتمع ها و مراکز بزرگ صنعتی که با مبارزات و اعتراضات پی در پی خود زمینه های ذهنی این خیزش سراسری را فراهم آورده بودند، اینبار نیز فرصت نیافتند که با اعتصابات خود در مراکز تولید به شورش هم طبقه ای های خود و راهبندان خیابانی بپیوندند، اما طبقه کارگر از تجربه خیزش آبان به اندازه سالها آموخت و درسی را که آموخته فراموش نخواهد کرد.

با این وصف جمهوری اسلامی بنا به ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که به آنها متکی است و هر لحظه خشونت را تولید و بازتولید می کنند، رژیم که کشتار زندانیان سیاسی، کشتار کارگران مس خاتون آباد، قتل های زنجیره ای نویسندگان، شلاق زدن کارگران، کهریزک، قانون قصاص و زن ستیزی و کشتار کولبران را در پرونده دارد، اینبار نیز به بهانه مقابله با خشونت جوی خون براه انداخت. اکنون که خیزش سراسری آبان ماه در شکل خروشنده آن فروکش کرده است هنوز ابعاد دقیق جنایات هولناکی که رژیم در مقابله با معترضان انجام داده روشن نیست. اگر چه سازمان عفو بین الملل، شمار جانباختگان اعتراضات اخیر را دست کم ۱۶۱ اعلام کرده، اما یک منبع آگاه که با برخی

فقیه تا سران سه قوه، فرماندهان ریز و درشت سپاه، وزرا، امامان جمعه، استانداران، فرمانداران در هراس از طغیان خشم فرودستان، همصدا با هم، آمادگی خود را برای به خون کشیدن مقاومت معترضان اعلام کردند. سپاه پاسداران طی بیانیه ای معترضان را "اعتشاشگر" و "کینه توز" نامید و اعلام کرد این "افراد آموزش دیده در داخل و خارج کشور بوده اند و با دریافت مبالغی اقدام به آتش زدن و تخریب مراکز" کرده اند. روحانی این اعتدال گرای جانی نیز کسانی که با خودروهایشان راه بندان ایجاد می کردند را تهدید کرد و گفت که از طریق دوربین های زیادی که در شهرها نصب



شده خودروها و شماره آنها شناسایی می شوند. خامنه ای شهروندان معترض را اشرار خواند و فرمان داد که نیروهای انتظامی و بسیج به وظیفه خود که حفظ امنیت است عمل کنند. اما به رغم تمام تدابیری که فرمانده کل قوا، سران سه قوه و کادر رهبری سپاه و دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی اندیشیدند، نتوانستند اعتراضات خودانگیخته تهدیدستان شهری و جوانان بیکار را مطابق برنامه و نقشه ای که داشتند در نطفه خفه کنند و از سراسری شدن موج خروشان این اعتراضات جلوگیری کنند. نیروهای سرکوبگر رژیم مطابق یک طرح و نقشه از قبل آماده شده راه هر گونه شکل گیری و گسترش اعتراضات مسالمت آمیز را مسدود کرده و در بسیاری از شهرهایی که کانون این اعتراضات بودند در همان لحظات اول، جنگ و گریز خیابانی را به معترضان تحمیل کردند. نیروهای سرکوبگر معترضان را در موقعیتی قرار دادند که نتوانستند آزادانه تاکتیک و روش های مورد نظر خودشان را برای ابراز اعتراض تعیین کنند. معترضان آزاد نبودند که رفتارشان

را فراهم آورد، روند رو به گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگران در مراکز بزرگ تولیدی و حمل و نقل، مبارزات سراسری معلمان و بازنشستگان، حضور پرشور زنان در این مبارزات، عروج دوباره جنبش دانشجویی بویژه بعد از خیزش سراسری دی ماه ۹۶ امکان بروز خیزش سراسری آبان ماه را قطعیت بخشید. خیزش سراسری آبان ماه و روحیه عصیانگر تهدیدستان شهری ریشه در همین واقعیات مادی دارد. افزایش سه برابری قیمت بنزین فقط مانند جرعه ای آتش خشم فروخورده تهدیدستان شهری و جوانان عاصی از فقر و بیکاری را شعله ور ساخت تا خیزش سراسری آبان ماه، این موج جوشان مبارزه سیاسی را رقم زند.

جمهوری اسلامی با اعلام و اجرای ناگهانی افزایش سه برابری قیمت بنزین یک عکس العمل آنی و واکنش برنامه ریزی نشده را به مردم تحمیل کرد، با این هدف که بتواند بلافاصله آن را در نطفه سرکوب کند و یک روزه "غائله اغتشاشگران و اشرار" را خاموش نماید. جمهوری اسلامی می دانست که در جامعه ایران طی بیش از یک دهه گذشته و بویژه طی مدت زمان بعد از خیزش دی ماه ۹۶ در جریان اعتصابات و اعتراضات پی در پی کارگران، معلمان و بازنشستگان و تحرک جنبش دانشجویی و دیگر اعتراضات توده ای طیف نسبتا وسیعی از فعالین و رهبران به صحنه آمده اند که نقش غیر قابل انکاری در برانگیختن این مبارزات داشته و از قدرت سازماندهی و برپائی جنبش توده ای در مقابله با این نوع تعرض ها به سطح معیشت مردم برخوردار هستند. جمهوری اسلامی به دلیل هراس و وحشت از احتمال برپائی یک اعتراض توده ای و سراسری، با اعلام و اجرای ناگهانی افزایش سه برابری قیمت بنزین در واقع فعالین و رهبران جنبش های اجتماعی حاضر در صحنه مبارزه را غافلگیر کرد. سران رژیم اعلام از قبل تصمیم به افزایش قیمت بنزین را بازی با آتش تلقی می کردند از اینرو با آگاهی از "خطر" احتمالی برپائی جنبش توده ای که سریعاً سازمان یابد و خیابان ها را به اشغال خود در آورد، "راز" افزایش قیمت بنزین را از همه، حتی از حکومتیان پنهان کردند. بی جهت نبود که یکی از مقامات امنیتی رژیم گفت طرح افزایش قیمت بنزین جنبه هایی داشت که لازم نبود نمایندگان مجلس از آن باخبر شوند.

زمانی که جرعه اعتراضات زده شد، سران رژیم اسلامی از هیچ جنایتی برای سرکوب و به خون کشیدن آن فروگذار نکردند. از ولی



محافل حکومتی رابطه نزدیکی دارد شمار جانباختگان ثبت شده وقایع اخیر را تاکنون ۳۶۶ نفر اعلام کرده است. شمار جانباختگان از این هم بیشتر است. بنا به این گزارش ها در جریان اعتراضات این چند روزه بیش از هزار نفر نیز در اثر شلیک مستقیم نیروهای انتظامی و گارد ویژه زخمی شده اند. همچنین بنا به گفته سخنگوی "کمیسیون امنیت ملی مجلس اسلامی" حدود هفت هزار نفر دستگیر شده‌اند.

خیزش انقلابی آبان طی همین هفت روز، پیروزی عظیمی در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی رقم زده است. نیروی محرک و مبارزه جویی توده تهیدستان شهری قدرتمند تر از آن بود که صف آراییی دشمن بتواند یک روزه آن را سرکوب کند. معترضان با مشت‌های گره کرده و شعارهایی که سردادند به همگان نشان دادند که افزایش قیمت بنزین فقط جرقه‌ای برای آغاز خیزشی دوباره بود تا کلیت حاکمیت دین و سرمایه را به مصاف طلبند.



خیزش آبان ماه ۹۸ در ادامه خیزش دی ماه ۹۶ یک جنبش عظیم سیاسی بود که تهیدستان شهری و جوانان بیکار و به حاشیه رانده شدگان موتور حرکت آن بودند. این خیزش سراسری مانند هر جنبش نیرومند سیاسی بطور عینی توازن قوا را به نفع جنبش اعتراضی علیه رژیم تغییر داده است و زمینه مناسب تری را برای گسترش مبارزات اقتصادی و سیاسی فراهم می‌کند. این خیزش سراسری زمین را برای رشد مبارزات اقتصادی و سیاسی کارگران و جنبش های اعتراضی دوباره شخم زد و تقویت کرد. این خیزش نیز مانند خیزش دی ماه گسترش مبارزات کارگران و حرکت های اعتراضی را به دنبال خواهد داشت و نشان خواهد داد که این برآمدها و موج های جوشان مبارزه سیاسی چگونه به محرک های نیرومندی برای مبارزه اقتصادی و سیاسی تبدیل می‌شوند و میل درونی کارگران را برای مبارزه شدت می‌بخشند.

در خیزش آبان ماه رژیم با حربه قطع اینترنت تلاش کرد نه تنها از انتشار اخبار مربوط به ابعاد اعتراضات و جنایاتی که انجام می‌دهد جلوگیری نماید، بلکه یکی از اهداف اصلی آن قطع ارتباط شبکه های مبارزاتی جوانان در سطح محلات و شهرها بود. اما این تجربه و حضور شورانگیز جوانان و مردم در این اعتراضات و همبستگی تحسین برانگیز آنها در مقابله با نیروهای سرکوبگر زمینه های مناسبی را برای گام نهادن در جهت ایجاد شبکه های

ارتباط اجتماعی و مبارزاتی و ایجاد نهادهای توده ای و شوراها به عنوان ارگان مبارزاتی در سطح محلات را فراهم آورده است. خیزش انقلابی آبان ماه و سرکوب خونبار معترضان، اشرار و اغتشاشگر نامیدن جوانان این شهروندان بستوه آمده از فقر و بیکاری و به گلوله بستن آنان، بیش از هر زمان دیگر نظام جمهوری اسلامی را با بن بست مشروعیت روبرو کرده است. رژیمی که با جویبار خون خود را از شهروندان جدا می‌کند، اینبار فقط با تکیه بر سرنیزه و سرکوب عریان می‌تواند به حاکمیت خود ادامه دهد. بعد از خیزش آبان ماه آرایش سیاسی نیروهای حکومتی چهره نظامی تری بخود خواهد گرفت، فرماندهان سپاه بیشتر به جلو صحنه خواهند آمد. این خیزش اختلافات جناح های حکومتی بر سر سازش با آمریکا به منظور پایان دادن به تحریم های اقتصادی را تشدید خواهد کرد. این خیزش همچنین روند تجزیه اصلاح طلبان حکومتی را سرعت می‌بخشد.

خیزش آبان در بعد اجتماعی استراتژی گذار مسالمت آمیز از جمهوری اسلامی را مورد نقدی کوبنده قرار داد. اگر خیزش دی ماه ۹۶ با شعار "اصلاح طلب، اصول گرا، دیگه تمامه ماجرا" به دو دهه سلطه گفتمان اصلاح طلبان حکومتی بر فضای سیاسی ایران پایان داد، خیزش آبان ماه نیز به گفتمان گذار مسالمت آمیز و ضدیت با انقلاب تحت عنوان مرزبندی با خشونت ضربه کاری وارد آورد. بکار گرفتن این ابعاد از قهر عریان حاکمان دین و سرمایه در برابر اعتراض برحق تهیدستان و جوانان بیکار و به یاری طلبیدن فقط گوشه ای از قهر انقلاب از جانب معترضان در مقابله با قهر ضدانقلاب حاکم بیش از پیش به ضرورت کسب آمادگی برای گذار انقلابی و استفاده از قهر انقلابی برای به زیر کشیدن دشمن تا چنگ و دندان مسلح مقبولیت اجتماعی می‌بخشد. دیگر هیچ جمعی از نخبگان اپوزیسیون بورژوازی ایران نمی‌توانند گذار از جمهوری اسلامی را بطور مسالمت آمیز مدیریت کنند. با آشکار شدن بن بست استراتژی گذار مسالمت آمیز زمینه برای پیشروی استراتژی سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی متکی به جنبش کارگری و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی به عنوان عملی انقلابی برای سلب قدرت سیاسی و اقتصادی از بورژوازی بیشتر فراهم می‌شود.

هرچند سیاست افزایش قیمت بنزین نتیجه بحران عمیق و بن بست مالی رژیم جمهوری اسلامی بود، اما از آنجا که تأکید بر اصل

ضرورت قطع سوبسیدها و افزایش قیمت حامل های انرژی از جمله بنزین در جوار برنامه های خصوصی سازی، آزادسازی قیمت ها، موقتی سازی قراردادهای کار، سرباز زدن دولت از ارائه خدمات اجتماعی به خصوص در حوزه های بهداشت و آموزش بخشی از برنامه های اقتصادی نئولیبرالی است، خیزش آبان ماه که افزایش قیمت بنزین جرقه آن را زد، در همانحال هشدارهای اجتماعی بود به بخش های مختلف اپوزیسیون بورژوازی ایران که همان نسخه نئولیبرالیسم اقتصادی را برای ایران بعد از جمهوری اسلامی می‌پسند.

خیزش آبان ماه که بر متن تشدید فقر و فلاکت اقتصادی و تعمیق شکاف طبقاتی شکل گرفت، تهیدستان شهری و جوانان بیکار و به حاشیه رانده شده گان را در شهرهای بزرگ و کوچک ایران همزمان به حرکت در آورد. شهرهای کردستان، خوزستان که در خیزش دی ماه ۹۶ تا حدودی از حرکت سراسری جدا افتادند در خیزش آبان ماه از همان ابتدا حضور پررنگی در اعتراضات داشتند. در کردستان نیز شدت عمل نیروهای سرکوبگر در به خون کشیدن این اعتراضات در شهرهای کرمانشاه، جوانرود، مریوان، بوکان و سنندج و جسارت و از خودگذشتگی معترضان در رویارویی با دشمن، بار دیگر عمق بیگانگی سیاست و استراتژی احزاب ناسیونالیست کردستان با مبارزات حق طلبانه مردم این منطقه را نشان دادند. در حالی که این احزاب وارد فاز مذاکره و معامله و سازش با این رژیم جنایتکار شده اند، مردم زحمتکش کردستان در بعد اجتماعی نشان دادند که برای رهائی از چنگ جمهوری اسلامی راهی جز همبستگی با جنبش انقلابی سراسری برای به زیر کشیدن این رژیم وجود ندارد. در این میان آن بخش از احزاب ناسیونالیست کرد که در فاز معامله با رژیم اسلامی هستند و همزمان در مدیریت گذار مسالمت آمیز هم با زرنگی مقام و منزلتی دست و پا کرده اند، یأس و سرخوردگی بیشتری نصیب خود خواهند کرد.

خیزش انقلابی آبان ماه ۱۳۹۸ نقطه عطفی دیگر در مبارزات پرشور مردم ستمدیده ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی بود و بدون تردید حاکمان دین و سرمایه از پیامدهای آن جان سالم بدر نخواهد برد. زنگ های خطر در آنسوی مرز در لبنان و عراق هم برای جمهوری اسلامی به صدا در آمده اند و شورشیان از هر سو دست همبستگی بسوی هم دراز کرده اند. ایران به قبل از خیزش آبان باز نخواهد گشت.

# جنبش کارگری و خیزش اخیر!

## در گفتگو با خسرو بوکانی



**جهان امروز: هفته آخر آبان ماه توده‌های تهیدست مردم خیزشی حماسی را بر علیه رژیم جمهوری اسلامی رقم زدند و پایه های رژیم را به لرزه در آوردند. ارزیابی شما از این حرکت چیست؟**

خسرو بوکانی: همچنانکه شما اشاره کردید در هفته پایانی آبان ماه امسال بدنبال تصویب و اعلام افزایش سیصد درصدی بهای بنزین از سوی شورایی مرکب از سران قوای سه گانه رژیم، اعتراضات گسترده ای ۲۹ استان از ۳۱ استان کشور و بیش از صد شهر را فرا گرفت، که به علت پنهانکاری نهادهای رژیم هنوز آمار دقیقی از تعداد جانباختگان و مجروحان و بازداشت شدگان این اعتراضات و خسارات و زیان های وارده اعلام نشده است. اما برآوردها تعداد جانباختگان را بیش از ۳۰۰ تن و مجروحان این اعتراضات را بیش از هزار تن و بازداشت شدگان را بیش از ۷ هزار تن تخمین می زنند.

باوجود اینکه نقطه آغازین این جنبش اعتراض به افزایش سیصد درصدی بهای بنزین بود، ولی خواست ها و مطالبات مترامم و پاسخ نگرفته طبقه کارگر و تهیدستان جامعه طی ۴۰ سال گذشته و از همان ابتدای سرکار آمدن جمهوری اسلامی و تدوین اولین قانون کار رژیم اسلامی که تحت تاثیر فضا و شرایط انقلابی بعد از سرنگونی سیستم سلطنتی مجبور بودند بندها و تبصره هایی در دفاع از حقوق کار در این قانون بگنجانند، ولی کلیت قانون در خدمت سرمایه داران و صیانت از منافع کارفرمایان قرار داشت تا سرکوب شدید طبقه کارگر به بهانه جنگ ارتجاعی با رژیم عراق و پس از آن در دولت سازندگی رفسنجانی در پیش گرفتن الگوهای نئولیبرالی و ریاضت اقتصادی که به شدت بر استثمار طبقه کارگر و لایه های تحتانی جامعه افزود و یورش لجام گسیخته به معیشت طبقه کارگر تحت تعالیم و توصیه های نهادهای جهانی سرمایه از جمله بانک جهانی و صندوق بین المللی پول مبنی بر حذف سوبسیدها و برنامه های ریاضت اقتصادی و اجرای قوانین

ویژه در مناطق آزاد تجاری، لویح ضدکارگری اصلاح قانون کار و تغییرات داده شده به نفع کارفرمایان و سرمایه داران، سرکوب کارگران معترض و فعالین کارگری و حتی در مقاطعی یورش نظامی با استفاده از هلی کوپتر و سلاح های سنگین به تجمعات کارگری از جمله در شهر بابک و خاتون آباد، تعدیل نیروی کار و به این بهانه اخراج سازی های گسترده و دسته جمعی، مرسوم کردن قراردادهای عمیقا استثمارگرانه سفید امضا و موقت، رسمیت بخشیدن به شرکت های چپاولگر پیمانی که بیش از نیمی از دستمزدهای کارگران را به یغما می برند، دستمزدهای منجمد شده و چندین بار زیرخط فقر کارگران، بیکاری مزمن و میلیونی، تورم و گرانی، فقر و فاصله عمیق طبقاتی، حاشیه نشینی و عوارض وحشت بار آن، تبعیض و فساد افسارگسیخته اداری، دزدی های میلیاردی مقامات بلند پایه حکومتی، سلب آزادی های سیاسی و اجتماعی، سرکوب شدید و وحشیانه زنان تحت عنوان حجاب اسلامی، اعتیاد و تن فروشی و کارتن خوابی و گورخوابی و آسیب های گسترده اجتماعی و دهها معضل و نابسامانی اجتماعی دیگر که سیاهه بلندبالائی را در برمی گیرند، مجموعه این خواست ها و مطالبات بود که مردم معترض و استثمارشده را به فازی وارد کرد که خیلی سریع یورش آشکار خود را به ارکان استثمارگرانه سیستم اقتصادی حاکم مبتنی بر بازار آزاد و واپسین الگوی اقتصادی موجود سرمایه داری در سطح جهان که نفس های آخر خود را نیز می کشد، با طرح شعارها و مطالبات و عمل انقلابیشان نشان دادند.

این حرکت غلیان آتشفشان خشم فروخته توده های استثمارشده مردم ایران بود که در ادامه جنبش های اعتراضی سالیان اخیر بویژه اعتراضات شکوهمند دی ماه ۱۳۹۶ و ویژه تر از آن جنبش اعتراضی هر روزه طبقه کارگر ایران در گوشه و کنار کشور و در مراکز و کارخانجات تولیدی به وقوع پیوست. این جنبش بر بستر مجموعه ای از خواست ها و مطالباتی شکل گرفت که طی سالیان گذشته بورژوازی ایران در ادامه روند تکاملی و ایفای نقش و رسالت تاریخی استثمارگرانه خود، بر

**جهان امروز: از خیزش دی ماه ۹۶ تا خیزش آبان ماه جنبش کارگری ایران با هزاران اعتصاب و اعتراض و در مواردی اعتصابات طولانی و دامنه دار مطرح ترین جنبش اجتماعی در صحنه بوده است. ما در طول یک هفته خیزش آبان ماه به جز مورد تحصن کارگران هفت تپه شاهد همراهی سازمان یافته مراکز کارگری با مردم در خیابان نبودیم. از نظر شما این همراهی**

## ضعیف به چه عواملی بستگی داشت؟

خسرو بوکانی: به نظر من ارزیابی کردن حضور و یا عدم حضور کارگران به عنوان طبقه در این دور از مبارزات و یا مقاطع دیگر باید متکی به واقعیاتی باشد که در ساختار نیروی کار ایران نهفته است و این نیازمند این است که شناخت دقیق تری از ساز و کار تمرکز و یا پراکندگی نیروی کار ایران در کارخانجات و مراکز تولیدی و صنعتی و همچنین مکانیزم های کنترل این نیرو توسط سیستم سرمایه داری حاکم داشته باشیم، در غیر این صورت در ارزیابی مان از شرکت و یا عدم شرکت گسترده طبقه کارگر در مبارزات جاری به بیراهه خواهیم رفت. به عنوان مثال، در کل کشور از حدود ۹۶ هزار واحد تولیدی و صنعتی چیزی حدود ۹ هزار واحد دارای بیش از ۱۰ کارگر هستند و در واقع بیشتر از ۹۰ درصد واحدها و کارگاه ها و مراکز تولیدی زیر ۱۰ کارگر دارند که این مسئله تاثیر بسزایی در پراکندگی بافت کارگری کشور دارد. از ۹ هزار کارخانه باقیمانده نیز قسمت اعظم آن بین ۱۰ تا ۵۰ کارگر دارند و تنها چیزی حدود ۱۳۵ واحد و مرکز تولیدی و صنعتی وجود دارد که بالای ۱۰۰۰ کارگر داشته باشند و بنا به سهم کلانی که این بخش اخیر در تولید ارزش افزوده دارد به شدت از سوی دولت و نهادهای حراستی و امنیتی نظارت و کنترل می شوند. با این وجود طی سالیان اخیر ما شاهد مبارزات و اعتراضات کوچک و بزرگ در این مراکز نظیر ایران خودرو به عنوان بزرگترین صنعت خودروسازی در خاورمیانه و یا صنایع فولاد و لوکوموتیو و واگن پارس و پتروشیمی ها و... بوده ایم، ولی متأسفانه هنوز این مبارزات سازمانیابی کارگری در این مراکز به قله نرسیده و از ضعف ها و کمبودهای جدی رنج می برد. لذا هنوز مبارزات طبقه کارگر در کارخانجات و صنایع مادر و بزرگ به درجه ای از آمادگی و سازمانیابی نرسیده که با حضور جدی تر خود توازن قوای طبقاتی و مبارزاتی را به زیان طبقه حاکم برهم زده و نقش سرنوشت ساز خود را ایفا نماید. منتها این کمبود نه در شکل مطلوب خودش ولی در هر حال با حضور همه روزه طبقه کارگر در مبارزات و اعتراضات کارخانجات و مراکز مختلف تا حدودی برطرف شده و به جرات می توان گفت که خیزش های انفجاری نظیر دی ماه ۹۶ و یا همین آبان ماه ۹۸ بخشا حاصل حضور مداوم طبقه کارگر ایران در مبارزه روزمره علیه نظم موجود و فراهم کردن بستر مناسب مبارزاتی

در سطح جامعه می باشند.

غیرقابل انکار است که حضور جدی و مستمر طبقه کارگر در مبارزات کوچک و بزرگ روزمره جاری، فضای خفقان و سرکوب مورد نیاز حاکمیت و سرمایه داران را به شدت تحت تاثیر قرار داده و همین مسئله زمینه را برای حضور دیگر جنبش های اجتماعی بیش از پیش فراهم کرده است و مضافا اینکه همچنانکه خود شما هم در سؤال تان اشاره کرده اید کارگران هفته تپه همزمان با این خیزش سراسری در حال اعتصاب بودند و همچنین دیگر حرکت های کارگری در این مدت نه تنها رکود نداشته، بلکه بر عکس افزایش این مبارزات مشاهده گردیده است. از سوی دیگر نیاز به تیزبینی زیادی نیست و اگر ما با اندکی دقت به بافت شرکت کنندگان در همین خیزش آبان ماه بنگریم، همچنانکه دوست و دشمن نیز بدان اعتراف کرده اند، معترضین را مردم ساکن در مناطق حاشیه شهرهای بزرگ و دیگرجاها از جمله کارگران بیکار، جوانان جویای کار و اقشار و لایه های تهیدست و به شدت نیازمند جامعه تشکیل می دهند. مثلا اکثریت قاطع جمعیت اصلی ساکن در شهرها و مناطق حاشیه تهران و کرج را کارگران و خانواده های کارگری تشکیل می دهند که مبارزات و اعتراضات آبان ماه در این گونه مناطق در سراسر کشور شدت بیشتری داشته است و این نشاندهنده این است که طبقه کارگر شاغل در کارگاه ها و کارخانجات کوچک و زیر ۵۰ کارگر و ۱۰ کارگر در این دور از خیزش اعتراضی که ماهیتی کاملا ضد سیستمی داشته، نقش برجسته و فعالی داشته است و تا حدودی خلا حضور کلان و توده ای طبقه را پر کرده اند. لذا اگر خیزش آبان ماه در ابعاد میلیونی و توده ای ظاهر نشد و بویژه عدم حضور طبقه کارگر با اتکا به تمام ظرفیت هایش در این جنبش جای تامل دارد، ولی همزمان با توجه به وجود موانع بزرگ و



جدی بر سر راه مبارزات توده ای و اجتماعی و همچنین حضور پررنگ مردم مناطق حاشیه شهرها که عموما کارگر هستند، من حضور طبقه کارگر در این مبارزات را نیز کم رنگ و ضعیف نمی بینم.

جهان امروز: تردیدی نیست که خیزش آبان که با شدیدترین سرکوب رژیم روبرو شد، نمی توانست تنها در شکل مبارزات خیابانی ادامه داشته باشد و فروکش کردن آن مطلقا به معنای عقب نشینی مردم به ستوه آمده از خواست هایشان نیست. از این روی سؤال این است که چگونه می شود با گشودن جبهه های دیگر خیزش اخیر را تداوم بخشید و آن را نیرومندتر و توده ای تر ساخت و نقش جنبش کارگری در این رابطه چیست؟

خسرو بوکانی: داشتن تبیین عقب نشینی نسبت به این خیزش شکوهمند که پایه ها و ارکان اقتدار مرکزی رژیم را به لرزه درآورد، منطقی و عینی به نظر نمی رسد، به علت اینکه در وهله نخست تاثیرات گسترده و عمیقی که این جنبش در جامعه ایران برجای گذاشته تا مدتها ادامه خواهد داشت و معادلات سیاسی جامعه ایران را رقم خواهد زد و معیاری اساسی در ارزیابی اوضاع سیاسی ایران نزد افکار عمومی جهان و همچنین در داخل ایران خواهد بود. دوم اینکه تا همین حالا هم پس لرزه های این خیزش رادیکال و انقلابی در اشکال و شیوه های مختلف ادامه دارد و آثار و عوارض تعداد بیشمار جانباختگان و مجروحان و دستگیرشدگان این جنبش تا مدتها دو طرف این کشاکش مستقیم و در واقع طبقاتی را که عبارتند از حاکمیت سرمایه با تمامی جناح ها و دسته بندی هایش از یک سو و از سوی دیگر طبقه کارگر و تهیدستان شهری را درگیر خواهد کرد.

تدابیر شدید امنیتی که حاکمیت در پیش گرفته و رویکرد بسیار خشن و ددمنشانه رژیم و ارتکاب جنایات بیشمار علیه مردم معترض در جریان خیزش و رویکردشان پس از آن هم نشاندهنده این است که این جنبش اگر به ظاهر از تب و تاب روزهای نخستین افتاده، ولی کماکان به مانند آتش زیرخاکستر ظرفیت های بالای شعله ور شدن مجدد خودش را حفظ کرده است و همین مسئله است که خواب را از چشمان خامنه ای و بویژه دست اندرکاران امنیتی رژیم ربوده است. اگر به ریشه یابی علل شروع این جنبش بپردازیم متوجه خواهیم شد که هیچکدام از خواست ها و مطالباتی که در بالا به آنها اشاره شد و از دلایل شروع خیزش دی ماه بودند نه تنها برآورده



کارگری دربره حساس کنونی ضرورت و اهمیت حیاتی پیدا می کند. در شرایط کنونی در اولویت قرار گرفتن سازمانیابی کارگری در صنایع و مراکز بزرگ کارگری و توجه ویژه به این مسئله یکی از ضرورت های مبرم مبارزه طبقاتی در ایران است و کاملاً قابل درک است که موانع جدی امنیتی، معیشتی و فکری بر سر راه این ضرورت تاریخی وجود دارند، منتها غفلت از این امرحیاتی زیان های غیرقابل جبرانی را در آینده سیاسی طبقه کارگر ایران رقم خواهد زد. لذا با وجود تمامی موانع جدی و عینی و واقعی سر راه سازمانیابی مستقل و سراسری کارگری در سطح کلان و توده ای، تمامی راه ها بسته نیست و باتوجه به بحران ها و ضعف های عدیده ای که سیستم سرمایه داری ایران در آنها گرفتار شده است این موانع بیشتر از گذشته ناکار آمد شده اند و دور زدن آنها بیشتر از گذشته امکان پذیر شده است و در همین زمینه توجه به تشکیل کمیته ها و هسته های مخفی در کارخانجات و مراکز کارگری و بویژه در مراکز بزرگ و محلات کارگر نشین از اهمیت فراوانی برخوردار است.

دخالتهای بیشتر در خیزش های اعتراضی و مطالباتی و بکارگیری تاکتیک های دقیق تر مبارزاتی و جلوگیری از سوق داده شدن جنبش به سوی اهداف مورد نظر دشمن، از سویی امکان مشارکت هرچه بیشتر توده های کارگر و زحمتکش در مبارزات را فراهم خواهد ساخت و از سوی دیگر از توان سرکوب ماشین سرکوب دولتی خواهد کاست. طبقه کارگر با حضور گسترده تر خود در خیزش های اجتماعی بدون شک توانایی های این جنبش ها را بسیار تقویت خواهد کرد و قادر خواهد بود توازن قوای طبقاتی را به سود خود و به زیان طبقه حاکم رقم بزند بر همین اساس تمامی این اقدامات باید در خدمت این امر مهم و سازمانیابی کارگری قرار گیرد.

**جهان امروز: با توجه به دستگیری هزاران نفر و تهدیدی که از طرف رژیم به منظور مرعوب کردن جامعه و زهر چشم گرفتن از توده های پیاخاسته وجود دارد، وظیفه فعالین و تشکل های کارگری را برای دفاع از فرزندان شان را چه می بینید و چگونه می توان جنبشی عمومی را برای آزادی زندانیان سیاسی دامن زد؟**

این بیانگر مطالبات مشترک معترضین بود. ویژگی برجسته دیگر این جنبش عزم و اراده بدنه جنبش در ابراز وجود و طرح خواست ها و مطالباتشان بود که در شعارها و اقداماتشان خود را نشان داد و تاجایی پیش رفت که جان های تشنه ای را در راه آزادی و عدالت و مبارزه با تبعیض و ستم و استثمار اهدا کرد. موارد زیادی را می توان از ویژگی های مثبت و کار آمد این جنبش برشمرد، ولی هدف من از



ذکر این چند مورد بالا اثبات این موضوع است که این جنبش بسیاری از مختصات و پیش شرط های توده ای شدن به معنای واقعی کلمه را در خود داشت ولی اینکه چرا نتوانست روند تکاملی مطلوب خود را طی کند دلایل خاص خودش را دارد.

لازم است در اینجا من به این نکته اشاره کنم که توده ای شدن جنبشی با ویژگی های کاملاً طبقاتی نظیر خیزش آبان ماه لاجرم به مفهوم شرکت تمامی طبقات و لایه های اجتماعی و مشارکت همه با همی در پروسه پیشرفت این جنبش بویژه با تینی که ما از ماهیت سیاسی و طبقاتی جامعه ایران داریم نیست، قطعاً بخشی از جامعه دغدغه نان و معیشت را ندارند و نه تنها هیچ التزام و ضرورتی در شرکتشان در خیزش های اجتماعی و طبقاتی نمی بینند، بلکه دقیقاً در مقابل آن صف آرایی کرده و از وضع موجود دفاع خواهند کرد. قطعاً منظور شما هم از توده ای کردن مبارزات و خیزش های اعتراضی، تامین مشارکت حداکثری توده های کارگر و تهیدستان جامعه در خیزش های اجتماعی است. فاکت ها نشانگر این هستند که پروسه مشارکت طبقه کارگر در اعتراضات خیابانی روز بروز در حال گسترش می باشد، هرچند بدون شک مشارکت توده ای طبقه کارگر و بویژه برعهده گرفتن نقش رهبری جنبش اعتراضی و مطالباتی از سوی این طبقه هنوز تامین نشده، ولی قطعاً پیشرفت های محسوسی طی سالیان گذشته در این عرصه بوجود آمده و این روند باید با سرعت بیشتری ادامه پیدا کند و در این مسیر است که جدا از خود سازماندهی طبقه کارگر، نقش و رسالت فعالین پیشرو و رزمندگان کارگری و تشکل ها و نهادهای مستقل

نشده اند، بلکه هیچ افق و چشم انداز روشنی از برآورده شدنشان نیز به چشم نمی خورد و این اساسی ترین معضل حاکمیت در ناامیدی نسبت به عدم تکرار حوادث آبان ماه است و کاملاً محرز است که رژیم تاکنون با اتکا به ماشین سرکوب توانسته که فقط صورت مسئله را پاک کند و هیچ راه حلی برای آن ارائه نداده و در آینده نیز با توجه به بحران های عمیق و ساختاری که با آنها مواجه شده است، عزم و یا توانایی پاسخگویی به خواست ها و مطالبات مردم و بویژه طبقه کارگر و تهیدستان و زحمتکشان جامعه را ندارد. لذا کاملاً محتمل و امکانپذیر است که در فاصله زمانی کوتاه تری نسبت به گذشته خیزش های عمیق تر و رادیکال تر اجتماعی در آینده بوقوع بپیوندد.

نکته قابل ذکر دیگری که در این رابطه باید مدنظر داشت این است که طبیعت این گونه خیزش ها که به هردلیل چه از سوی دشمن و به قصد به بیراهه بردن جنبش و کسب مشروعیت صوری برای سرکوب خشن و ددمشانه آن که در جنبش آبان ماه به وضوح مشاهده شد و چه از سوی مردم معترض به سرعت و قبل از تبدیل شدن به یک جنبش توده ای و همه گیر اجتماعی که طبقه کارگر با حضور میلیونی خود در راس آن قرار گرفته باشد، به سوی رادیکالیسم زود رس سوق داده می شود، کوتاه مدت است و سریع به مراحل پایانی می رسد، منتها این به منزله عقب نشینی و صرفنظر کردن از خواست هایی که توده های مردم برای تحقق آنها به میدان آمده بودند نیست.

و اما اینکه راهکار گسترش مبارزات و مکانیسم توده ای کردن آن چیست؟ به نظر من خیزش آبان ماه بسیاری از فاکتورها و ویژگی های یک جنبش با ماهیت سرنگونی سیستم حاکم را در خود داشت. این ارزیابی قطعاً به معنای نادیده انگاشتن ضعف ها و کمبودهای جنبش آبان ماه نیست، منتها وقتی که به بافت سازماندهندگان و شرکت کنندگان در خیزش اعتراضی آبان ماه می نگریم که یکی از اساسی ترین و مهم ترین فاکتورهای بررسی و ارزیابی هر جنبشی است، مشاهده می کنیم که کارگران و تهیدستان و به حاشیه رانده شدگان و جوانان بیکار و جویای کار و اقشار بینهایت نیازمند و آسیب دیده جامعه، بخش اصلی معترضین را تشکیل می دادند و این مسئله تا اندازه ای عیان و آشکار است که حتی دست اندرکاران قضایی و امنیتی رژیم با صراحت به آن اعتراف کرده اند، وجه دیگر خیزش آبانماه سراسری بودن آن است بطوری که همزمان و در مدت زمان کوتاهی به بیش از یکصد شهر کشور سرایت کرد و

## تشکل‌های مستقل کارگری!



آرش کمانگر از تلویزیون برابری میزگردی با شرکت افسانه پویش، حسن حسام، سعید سهرابی و هلمت احمدیان در رابطه با تشکل‌های مستقل کارگری تشکیل داد. آنچه در زیر می‌خوانید پاسخ‌های هلمت احمدیان به پرسش‌های این میزگرد است. سخنان کلیه شرکت‌کنندگان در این میزگرد در بخش فایل‌های تصویری سایت حزب کمونیست ایران قابل دسترس است.

ما در چند دهه گذشته نقش خانه کارگر رژیم، شورای‌های اسلامی و تشکل‌های موازی عوامل کارفرما و دولت را بخوبی دیده و تجربه کرده ایم و اینجا نیازی به تکرار سابقه آنها نیست.

از این روی به نظر من مهمترین فاکتور تعریف از تشکل‌های مستقل کارگری اول: استقلال آنها از دولت و کارفرما و دوم: ساختار دموکراتیک این تشکل‌ها و سوم اهداف و باورمندیشان به دفاع جانبدارانه از حقوق کارگران است.

### استقلال از دولت کافی است یا استقلال از احزاب نیز ضروری است؟

استقلال از دولت و کارفرما همانگونه که توضیح داده شد امری لازم، و به نظر می‌رسد مورد توافق همگی هم باشد. اما روی "استقلال از احزاب" در میان فعالین جنبش کارگری دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که باید آن را روشن کرد.

اگر منظور از استقلال این تشکل‌ها، استقلال مالی و تشکیلاتی از احزاب است، که صد البته امری درست و قابل دفاع است. یک حزب سیاسی نباید این امکان را داشته باشد که با کمک مالی و یا دخالت‌های بی‌مورد و جهت‌دارش، روی استقلال تشکیلاتی این تشکل‌ها تأثیر منفی بگذارد. متأسفانه در این رابطه نمونه‌های تاریخی منفی هم در ایران و هم در سطح جهانی وجود دارد.

اما اگر منظور استقلال سیاسی این تشکل‌ها از احزاب است، این امری غیر عملی و غیرواقعی بینانه است و بر این تشکل‌ها تأثیر منفی می‌گذارد و هدفش این است که کار و فعالیت آنها را در سطح مبارزه ای تری‌دیوینسی، رفرمیستی و سندیکالیستی محدود نگه دارد. بگذارید این نکته را کمی بشکافم.

احزاب سیاسی، که اینجا منظورم بیشتر احزاب چپ و کمونیست است، بر اساس یک برنامه دراز مدت همه جانبه و یک استراتژی (نقشه راه) و اتخاذ تاکتیک‌هایی که به اهداف دراز مدت آنها کمک می‌کند، فعالیت‌های با مضمون‌های مختلف

(چند مضمونی) را در جنبش‌های اجتماعی

### تشکل مستقل کارگری چیست و به چه نهادهایی میتوان تشکل مستقل گفت؟

هر جنبش اجتماعی بدون تردید احتیاج به نهادها و یا تشکل‌های دارد که بر اساس منافع و ویژگی‌های جنبشی معین تشکیل می‌شوند. شکل و مضمون هر یک از این تشکل‌ها (در اینجا تشکل مستقل کارگری) با هر نامی و هر اولییتی که برای خود بگذارند امری قابل دفاع است، به شرط اینکه به ظرفی بوروکراتیک تبدیل نشود که از بالای سر کارگران روی سرنوشت آنها تصمیم بگیرد.

از این روی قبل از اینکه روی کلیشه‌ها و نام، بعنوان معیار این تشکل‌ها قضاوت شود، باید دید این نوع ظرف‌ها چه اهدافی را تعقیب می‌کنند و ساختار آنها و نحوه دخالتگری توده‌های کارگر در رابطه با این تشکل‌ها چگونه است. اینها فاکتورهای مهمی برای قضاوت روی قابل دفاع بودن یا نبودن آنهاست.

تشکل‌هایی که به نام کارگران از بالای سر آنها به اهرمی برای پیشبرد سیاست‌های کارفرما و دولت تبدیل می‌شوند و یا در بهترین حالت ابزار سازش بین کار و سرمایه هستند، تشکل‌های زرد و رفرمیستی هستند که بیشتر از اینکه به حقوق کارگران فکر کنند، ابزار تحمیل قوانین بردگی سرمایه بر کارگران هستند.

می‌دانیم که این فقط پشروان و مدافعین راستین جنبش کارگری نیستند که اقدام به تشکیل تشکل‌های کارگری می‌کنند. جریان‌ات رفرمیست و یا عوامل کارفرما و دولت هم با پوشش کارگری در این رابطه کار می‌کنند و می‌خواهند این تشکل‌ها را به بیراهه بکشاند.

دولت و کارفرما جنبش‌های مطالباتی کارگری را تنها با بگیر و ببند و سرکوب فیزیکی فعالین کارگری محدود نمی‌کند، بلکه از طریق ایجاد تشکل‌های زرد و یا از طریق نفوذ در تشکل‌های مستقل هم می‌تواند مبارزات و خواسته‌های کارگران را به بیراهه بکشاند و تخم تردید و افتراق در میان آنها ایجاد کند.

خسرو بوکانی: طبقه کارگر ایران و فعالین کارگری رادیکال و رزمنده این طبقه تجربیات ارزنده و گرانبهایی در دفاع از هم طبقه‌ای‌های در بندشان و یا زندانیان سیاسی دارند. در گذشته شاهد تاسیس و گسترش ده‌ها کمیته دفاع از کارگران و زندانیان سیاسی و کارگری بوده ایم، این تشکل‌ها و کمیته‌ها خدمات شایانی در کمک به خانواده‌های زندانیان ارائه داده‌اند، فعالیت‌های بی‌وقفه و مثمر ثمر این نهادهای کارگری تأثیرات بسزایی در عقب‌نشینی دستگاه قضایی و نیروهای امنیتی رژیم و وادارکردن آنها به آزادسازی زندانیان سیاسی و کارگری داشته‌است. این گونه فعالیت‌ها با وجود شرایط سخت اقتصادی و معیشتی نه تنها منسوخ نشده‌اند، بلکه ضرورت شروع مجدد آنها در شرایط کنونی با توجه به فشارهای نیروهای امنیتی رژیم و دستگیری‌های گسترده ضرورت بسیار بیشتری پیدا کرده و توجه جدی به این عرصه از مبارزه یکی از راهکارهای موثر در سازمانیابی کارگری و خانواده‌های زندانیان کارگری و سیاسی است. شرایط سیاسی و امنیتی کنونی، آن مقطعی است که ایجاد ده‌ها کمیته دفاع از زندانیان سیاسی و کارگری را می‌طلبد. فراموش‌شدنی نیست لحظاتی که کارگران معادن بافق در جریان اعتصاب دراز مدتشان با مطرح کردن خواست آزادی هم طبقه‌ای‌هایشان و پیگیری و پا فشاری بر این خواسته برحق‌شان، دستگاه قضایی و نیروهای امنیتی رژیم را وادار به آزادسازی همکارانشان کردند و یا همین حالا و در جریان اعتصابات کارگران هفت تپه یکی از خواست‌های اصلی شان آزادی بدون قید و شرط تمامی کارگران دستگیرشده و تبرئه آزادشدگان از تمامی اتهامات واردشده به آنان می‌باشد. قطعاً به هر اندازه که طبقه کارگر و فعالینش در این عرصه دغدغه و کار و فعالیت جدی داشته باشند، به همان میزان شاهد عقب‌نشینی دستگاه قضایی و نیروهای امنیتی رژیم خواهیم بود و این تأثیرات بسزایی در تجدید آرایش مبارزاتی و طبقاتی و پیشروی جنبش کارگری خواهد داشت.

و.. را داریم که کارنامه درخشان مبارزاتی دارند و آنها مسائل صنفی و سیاسی را به سیاق سندیکالیست ها از هم جدا نکرده اند و از آن طرف به اصلاح "شوراهای اسلامی" را هم داریم که عصای دست رژیم و کارفرما هستند. همانگونه که در سؤال شما هم به این امر اشاره شده است این شرایط عینی و مبارزاتی و جهت گیری فعالین پیشرو کارگری در هر محلی است که می تواند شکل مناسب این تشکل ها را رقم بزند. تقابل نه بر سر شکل، بلکه هنگامی بروز می کند که کسانی بخواهند به نام تشکل های کارگری سیاست های ضد کارگری را به این تشکل چه شورا و چه اتحادیه و چه سندیکا حلقه کنند.

### آیا شورای کنترل و نیز شورای انقلابی کارگری را می توان تحت هر شرایطی ایجاد کرد و یا به توازن قوای معینی نیاز هست؟

شوراهای کارگری در مقاطع مختلف می توانند اشکال و نقش های متفاوتی را ایفا کند ولی هر نظری روی چگونگی تشکیل آن داشته باشیم این مسئله اولاً به باور و کار فعالین و پیشروان کارگری به اداره شورایی و دوماً به توازن قوا و شرایط عینی و مبارزاتی در جامعه بستگی دارد. اداره شورایی، کنترل کارگری یا شورای انقلابی کارگری و ... همه این گزینه ها که دموکراتیک ترین شکل اداره کارخانه و حتی کل جامعه است وسیع ترین امکان را برای دخالتگری کارگران فراهم می سازد و به دلیل امکان کنترل از پایین توده های کارگر از آریستوکراسی کارگری و اداره بورکراتیک تشکل های کارگری جلوگیری می کند.

مجمع عمومی کارگری حتی در شرایطی که توازن قوا کافی هم برای شوراهای انقلابی بوجود نیامده در هر محل کاری مقدور و می تواند سنگ بنای شوراهای پایدار کارگری را ایجاد کند. با این حال و به گمان من وقتی در مبارزات چند ماه گذشته ما به عینه شعار "اداره شورایی" را در تجمعات اعتراضی کارگران شاهد هستیم، این نشانی برای آمادگی بیشتر بسوی یک گزینه شورایی برای اداره مراکز تولیدی و در ادامه برای کل جامعه است.

### دلایل عدم گسترش تشکل های کارگری در کارخانجات و شرکت ها چیست و موانع ایجاد تشکل سراسری چیست؟



سیاسی شان برسमित شناخته می شود، این افق های سیاسی هستند که به مبارزات این تشکل ها سمت و سو می دهند. از این روی به گمان من و با این تعریف، تشکل های کارگری نمی توانند از اندیشه های سیاسی فعالین آن منفک گردند. یک فعال کارگری می تواند از یک حزب سیاسی هم الهام بگیرد و یا حتی عضو آن حزب هم باشد و در عین حال در این تشکل های مستقل هم ضمن اینکه مبارزات صنفی کارگری را با دل و جان پاسداری می کند، اما با دخالت سیاسی مسئولانه اش افق و راه های به بارنشستن مبارزات صنفی و مطالباتی را هم سمت و سو بدهد یا روی آن تاثیر بگذارد. این را ما تعیین نمی کنیم. در عالم واقع اینگونه است.

اتفاقاً اگر این امر صورت نگیرد مبارزات مطالباتی و صنفی یا نتیجه نخواهد داد و یا پس گرفتی است. مضافاً اینکه این موضوع فراتر از دخالت بجا یا نابجای این حزب و یا آن حزب است. موضوع لزوم تحزب یابی کارگری است، چرا که تشکل های مستقل کارگری در عالی ترین شکل خود، اگر به ستاد رهبری کننده و حزبی و طبقاتی خود متکی نشوند، همه دستاوردهایشان پس گرفتی است.

### آیا میان شورا و سندیکا تقابل وجود دارد یا می توان هر دو را بسته به شرایط مبارزه سازمان داد؟

طبق تعریف ما، شورا به دلیل ساختار دموکراتیکش و امکان بیشتر دخالت گری کارگران مناسب ترین شکل سازمانی توده ای کارگری است و سندیکا سنتا ظرف سازمانی سندیکالیست ها بوده است که بیشتر معطوف به مبارزات صنفی کارگران است.

اما این تعاریف و نمونه های موجود به ما می گوید که این نه نام های این تشکل ها، بلکه ساختار و اهداف این تشکل ها هستند که باید معیار قرار گیرند. ما اکنون در ایران سندیکاهایی از قبیل "سندیکای نیشکر هفت تپه" و "سندیکای اتوبوسرانی تهران و حومه"

مختلف از قبیل جنبش کارگری، جنبش رهایی زنان، جنبش دانشجویی و سایر جنبش های دموکراتیک جامعه پیش می برند.

برای این احزاب جنبش های مطالباتی و اهداف سیاسی در هم تنیده شده است و آنها تنها با شرکت فعال در جنبش های مطالباتی با یک استراتژی سوسیالیستی است که می توانند راه را برای رسیدن به اهداف نهایی شان را میسر سازند. از این روی آنها می کوشند از نظر سیاسی (تاکید می کنم از نظر سیاسی) راهکار خود را به گفتمان تشکل های توده ای و مستقل کارگری بعنوان اهرم های تعیین کننده تغییر و تحولات تبدیل کنند. تردیدی نیست این تلاش نباید به استقلال این تشکل ها لطمه بزند و اگر نیروی این کار را می کند نشان دهنده سکتاریسم و ترجیح دادن منافع حزبی اش بر منافع جنبش و طبقه کارگر است.

از طرف دیگر، تا آنجا که به تشکل های مستقل کارگری برمی گردد، ما می دانیم که کارگران نمی تواند دیوار چینی بین خواسته های صنفی اشان با مسائل سیاسی برای خود متصور ببینند. و این در حالی است که صحبت از جامعه ای است که در آن هیچ اعتراضی از طرف رژیم برتابیده نمی شود و هر حرکت حرکت حق طلبانه ای بلافاصله مهر سیاسی و امنیتی می خورد.

اگر از جنبه سئو استفاده و بهانه کردن این امر از طرف رژیم و کارفرما بگذریم. واقعیتی در این امر وجود دارد و آنهم اینکه در جامعه ای مانند ایران بطور واقعی مرزی بین مطالبات صنفی و سیاسی وجود ندارد.

از این روی سؤال این است که چرا سرمایه داران و دولت در راستای منافع مادی و سیاسی شان، تشکل های زرد و دولتی را با نام کارگر برای خفه کردن صدای کارگر می سازند، که بیشتر از اینکه تشکل های صنفی باشند سیاسی هستند، اما کارگران نتوانند تشکل های مستقل خود را به شکلی بسازند که دیوار چینی بین مطالبات سیاسی و صنفی ایجاد نشود؟

مگر می شود در جامعه ای مانند ایران خواستار افزایش دستمزد و ایمنی محل کار و بیمه و ... شد ولی آن را از منافع مادی و سیاسی حاکمان این جامعه که از طریق استثمار کارگران به ثروت های افسانه ای دست یافته اند زیر سؤال نبرد؟ اینجاست که راههای کسب نان و کار، به راههایی که هم نان و هم کار و هم حاکمیت کارگری و شورایی را برای تامین این خواسته های در دستور دارند گره می خورد.

اگر مضمون این تشکل ها و دخالت گری



## جهان امروز

### نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یک بار منتشر می شود!

سر دبیر: هلمت احمدیان

زیر نظر هیئت تحریریه

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

halmatean@hotmail.com

- \* جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می کند.
- \* استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- \* مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.
- \* جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می رسد.
- \* مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ ۴ با سایز ۱۲ است.

تماس با  
کمیته تشکیلات داخلی کشور  
حزب کمونیست ایران

h.faalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

۰۰۴۵۹۷۵۲۱۵۵۱  
۰۰۴۶۷۳۲۲۷۶۷۹  
۰۰۴۶۸۷۱۰۸۵۲۵

تماس با کمیته تشکیلات  
داخلی گروه (تفصیل)

takesh.komalah@gmail.com



## ما دوباره می آییم!

همینکه زخم هایمان التیام یافت  
همینکه از میان خونابه ها برخاستیم  
همینکه عزیزان از دست رفته مان را  
به خاک سپردیم و

بر مزارشان عهدی دوباره بستیم  
ما دوباره می آییم

...

همینکه هوای مسموم کننده ی خفقان  
ریه هایمان را آزار داد  
همینکه گرسنگی

روده های مان را به درد آورد  
و غم نداری قلب مان را فشرد  
ما دوباره می آییم

...

همینکه با تانک های تان بسوی مان تاختید  
با جنگنده های هوایی تان  
ما را هدف گرفتید  
و به مزدورانتان فرمان آتش دادید  
ما دوباره می آییم

...

ما برای جنگ مرگ و زندگی  
فردا صبح زود  
با اولین پرتو آفتاب  
دوباره می آییم!



ناهید وفایی  
۲۵،۱۱،۱۹

مهمترین و بازدارنده ترین عامل سرکوبگری رژیم است. تشکل های مستقل کارگری که تاکنون خود را بر رژیم و کارفرمایان تحمیل کرده اند، با فداکاری و دادن هزینه بسیار و با حکم های زندان فعالین و سخنگویان این تشکل ها روبرو بوده است. اما و از آنجا که رژیم به دلیل بحران همه جانبه ای که با آن دست گریبان است، و به دلیل مقاومت شجاعانه پیشروان کارگری حتی از درون زندان های رژیم، و به دلیل اینکه همه این فعالین به چهره های شاخص و سرشناس در سطح جهانی تبدیل شده اند سرکوب اگر چه هنوز بازدارنده است، اما کارایی گذشته را ندارد.

فاکتور دیگر مشکلات اقتصادی کارگران است که بیشتر از همه اقشار جامعه قربانی سیاست های ریاضت اقتصادی دولت هایی بوده اند که در سه دهه گذشته و بعد از جنگ ایران و عراق در راستای سیاست های نتولیرالیستی بر نان و سفره شان تحمیل شده است.

فاکتور دیگر این است که هنوز تشکل های موجود در بسیاری از موارد تشکل پیشروان هستند و هنوز بر تشکل های محلی کار و زیست و توده های کارگر به حد کافی متکی نشده اند. مضاف بر این شکاف و اختلافات درونی بعضی از این تشکل های موجود هم بازدارنده بوده است.

فاکتور دیگر نقطه نظرات رفرمیستی و توهم آفرینی است که همواره می کوشد این امید را در میان جامعه کارگری بازتولید کند که می شود در چارچوب اصلاح و رفرم در همین نظام به شرایط بهتری دست یافت، در حالیکه هر روز ما شاهد فقیرتر و دست تنگ تر شدن جامعه کارگری بوده ایم. این اندیشه از طرف احزاب سیاسی دست راستی و مدیای سرمایه داری همواره بازار گرمی می شود.

در خاتمه باید روی این نکته تاکید شود. رشد و گسترش تشکل های کارگری به فضای سیاسی و مبارزاتی مناسب تری لازم دارد و نمی توان اراده گرایانه و با آرزوهایی که ما برای رشد و گسترش آنها داریم عملی نمی شود. به گمان من رشد و رشد و گسترش جنبش های مطالباتی در عین حال زمینه مناسبی هم برای رشد این تشکل هاست. تردیدی نیست که تغییر توازن قوا و بپا خواستن توده های مردم این زمینه را بیشتر فراهم خواهد کرد.

## اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

## به مناسبت ۲۵ نوامبر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان (۲۰۱۹)



را با یک بحران ایدئولوژیک مواجه کنند. این تحولات و حضور فعال و پر رنگ زنان در عرصه های مختلف مبارزه یکی از ارکان حاکمیت جمهوری اسلامی را به لرزه درآورده است.

بنابراین زنان تنها قربانیان ساکت خشونت نیستند، بلکه در همانحال چالشگران فعال آن مناسبات طبقاتی هستند که خشونت علیه زن را نهادینه کرده است. خیزش های انقلابی در عراق، لبنان و شیلی و قبل تر از آن در الجزایر و سودان و حضور پرشور زنان در این خیزش ها، فراتر رفتن آنها از فرقه گرایی ملی و مذهبی نسیم رهایی زن و میل به دگرگونی ریشه ای را به وزش درآورده است. یکی از نمادهای اعتراضات در لبنان زنی است که اسحله گرم یک گارد ضد شورش را از دستش بیرون آورده و به زمین می کوبد. در سودان در مبارزه با سبعیت ارتش زنان نقش نمادین ایفا کردند. در جنبش حق طلبانه مردم کردستان سوریه زنان با حضور فعالانه در عرصه های مختلف مبارزه و با شجاعت کم نظیر خود در جنگ مقاومت در برابر دشمنان هاری چون داعش و فاشیسم اردوغانی پتانسیل عظیم جنبش زنان برای رهایی از مناسبات ظالمانه حاکم را نشان دادند.

بنابراین اگر خشونت علیه زن به عنوان ی فاجعه ای اجتماعی یک پدیده جهانی است، مبارزه برای رهایی زن و پایان دادن به این خشونت ها هم مرزهای ملی و جغرافیایی را پشت سر نهاده است. در جهان معاصر نظام سرمایه داری عامل تولید و بازتولید این خشونت و ستمگری بر زنان است. از اینرو باید بستر باز تولید خشونت و ستمگری بر زنان را شناخت و به اشکالی سازمان یافته و در ابعادی اجتماعی برای مبارزه علیه آن نیروی توده زنان و مردان کارگر و زحمتکش و انسانهای آزاده و برابری طلب را بسیج کرد. باید چنان فشاری به دولت ها وارد آورد که بپذیرند اعمال هر شکلی از خشونت علیه زنان در خانه، مدرسه، مراکز کار و هر نقطه ای از جامعه، مجازات سنگین به دنبال داشته باشد. هیچکس نباید به خود اجازه دهد خشونت علیه زن را امری شخصی، خصوصی، خانوادگی، قومی، فرهنگی و مذهبی بداند و از پیگرد و مجازات در امان بماند. هر کس که به هر شکلی علیه زن خشونت اعمال کند، بی هیچ چون و چرایی باید مجازات شود. اما پیشرفت در این زمینه ها تنها در صورتی در موقعیت زنان تحولی جدی ایجاد می کند که با تأمین رفاه اجتماعی و اقتصادی برای توده های وسیع زنان همراه باشد. تأمین دراز مدت امنیت جانی و روانی آنان از گزند خشونت در عرصه خصوصی زندگی نیز در گرو ایجاد تغییرات مادی و تحولات اقتصادی است و این بدون تعرض رادیکال به مناسبات سرمایه داری ممکن نیست.

بیست و پنج نوامبر امسال بر متن تحولات و خیزش های انقلابی که در کشورهای منطقه برپا شده اند، در بستر اعتصابات و اعتراضات گسترده کارگری و توده ای در ایران و تحول عظیمی که در آگاهی توده های مردم بوجود آمده، فرصتی است تا زنان کارگر و زحمتکش در ایران پتانسیل و قدرت عظیم خود را بشناسند و اراده کنند که با تمام نیرو و نظم طبقاتی و مرد سالار حاکم را به چالش بکشند.

**نابود باد خشونت علیه زنان**

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی**

**زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری**

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

آبان ۱۳۹۸ - نوامبر ۲۰۱۹

از زمانی که اولین گردهمائی زنان مبارز آمریکای لاتین در سال ۱۹۸۱، به نشانه گرامیداشت یاد و از خودگذشتگی خواهران میرابل که به "جرم" مبارزه علیه دیکتاتوری حاکم در جمهوری دومینیکن به قتل رسیدند، روز بیست و پنجم نوامبر را "روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان" اعلام کرد، ۳۸ سال می گذرد. اکنون با وجود اینکه در ۱۱۹ کشور جهان دولت ها متعهد به اجرای قوانین منع خشونت شده اند ولی آمارها نشان میدهند که بطور متوسط سی و پنج در صد و در برخی از کشورها هفتاد درصد زنان در جهان خشونت را تجربه کرده اند. هنوز در ده ها کشور جهان زنان تحت فشار عادات و رسوم سنتی و مردسالارانه، آزارهای جنسی و غیر جنسی، قاچاق انسان و به لحاظ دسترسی به خدمات بهداشتی و منابع اقتصادی در وضعیت خطرناکی بسر می برند. در هند یکی از خطرناکترین کشورها، زنان همچنان در معرض خطر کار اجباری، بردگی جنسی و کنیز بودن در خانه قرار دارند. براساس آمار جهانی بیش از ۸۰ درصد از قربانیان خشونت خانگی زنان هستند. زنان از اولین قربانیان بحران های اقتصادی و جنگ های امپریالیستی، منطقه ای و نیابتی و از اولین قربانیان خشونت و تجاوز توسط نیروهای درگیر در این جنگ ها هستند. این آمارها تنها گوشه ای از اعمال خشونت علیه زنان در پهنه جهان است که جهت محو آن باید آن مناسبات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را به چالش کشید، که این خشونت ها را بازتولید و نهادینه می کند.

در ایران که حاکمیت سیاسی طبقه سرمایه دار با دین اسلام در هم آمیخته است در زمینه اعمال خشونت علیه زنان جنایات هولناکی رقم خورده اند. رژیم جمهوری اسلامی با بهره گیری از مذهب به مثابه ابزار ایدئولوژیک و با یاری گرفتن از فرهنگ عقب مانده مردسالارانه، تبعیض جنسیتی و خشونت بر زنان را قانونیت بخشیده و به اجرا در آورده است. در ایران تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی حقوق اولیه زنان نظیر حق طلاق، حق سرپرستی فرزندان، حق ارث، حق مسافرت، حق انتخاب لباس، حق انتخاب رشته تحصیلی و غیره لگدمال گردیده است. زنان حق معاشرت آزادانه با مردان را ندارند. رژیم با اعطای حق چند همسری به مردان و رواج دادن صیغه، چهره ای قانونی به فحشاء و خرید و فروش زن به مثابه کالا داده است. تفکیک جنسیتی در تمام ارکان جامعه و حتی در مؤسسات آموزشی به یک اصل نهادینه شده تبدیل شده است. رژیم جمهوری اسلامی برای اجرای این قوانین قرون وسطائی علیه زنان و برای کنترل پوشش آنان بودجه و منابع مالی وسیع حکومتی اختصاص داده و مراجع شرعی و قانونی، نیروهای انتظامی و گشت های ارشاد را بسیج کرده است. اگر چه فرهنگ سنتی و مرد سالارانه در تداوم این بی حقوقی ها و اعمال خشونت خانگی علیه زنان نقش غیر قابل انکاری دارد، اما نظام سیاسی و طبقاتی حاکم در پروراندن و بازتولید چنین سنت های زن ستیزانه نقش تعیین کننده ای دارد.

اما به رغم حاکمیت جمهوری اسلامی و هزینه های سنگینی که برای کنترل رفتار و اخلاق زنان در عرصه های مختلف حیات اجتماعی اختصاص داده است، موقعیت زنان در ایران متحول شده است. در طی سه دهه گذشته روی آوری هر چه بیشتر زنان به تحصیلات عالی و اشتغال در بیرون از خانه، گسترش شبکه های اجتماعی و ارتباطات، آشنائی هر چه بیشتر با شیوه زندگی مدرن و حقوق انسانی خود موجب شده که زنان در زندگی روزمره خود، قوانین اسلامی و فرهنگ سنتی و پوسیده مردسالارانه را به چالش بکشند و رژیم جمهوری اسلامی

## اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

به مناسبت ۱۶ آذر  
روز دانشجو (۱۳۹۸)

جمهوری اسلامی وارد فاز جدیدی می شود. در این شرایط با گسست بخش های هر چه وسیع تری از دانشجویان از اصلاح طلبان حکومتی و لیبرالیسم بورژوازی ایران، زمینه مناسب تری برای رشد گرایش رادیکال و سوسیالیستی در جنبش دانشجویی فراهم آمده است. بخش چپ و رادیکال جنبش دانشجویی نه تنها به مثابه روشنفکران انقلابی باید به جنگ افکار پوسیده و مومیائی شده اسلامی و تهی ساختن کتاب های آموزشی از محتوای علمی و پیشرفته به جنگ جداسازی جنسیتی و خصوصی سازی دانشگاهها بروند، بلکه لازم است بعنوان حساسترین بخش روشنفکران جامعه همچنان به آگاهانه ترین و قاطع ترین وجه از منافع کارگران و اقشار فرودست و محروم جامعه حمایت کند.

در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب خیزش تهیدستان شهری و مردم عاصی از وضع موجود به قهر عریان روی آورد و خون صدها تن از معترضان را به کف خیابان ریخت، صدها نفر را زخمی و بیش از هفت هزار نفر را دستگیر و روانه شکنجه گاهها کرده است، جنبش دانشجویی لازم است در پیوند با دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی ابتکارات خود را برای براه انداختن جنبشی اعتراضی جهت آزادی فوری دستگیر شدگان خیزش آبان ماه بکار گیرد. رژیم جمهوری اسلامی را باید به عقب نشاند. رژیم جمهوری اسلامی با ادامه موج دستگیری ها و وحشت پراکنی در مورد سرنوشت آنها می خواهد خود را از پیامدهای خیزش آبان ماه در امان نگاه دارد، اما خیزش آبان ماه ۱۳۹۸ نقطه عطفی دیگر در مبارزات پرشور مردم ستمدیده ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی بود و بدون تردید این رژیم جانی از پیامدهای آن جان سالم بدر نخواهد برد.

جنبش دانشجویی به تجربه دریافته است تنها زمانی که در پیوند با جنبش کارگری، جنبش زنان و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی و در دل اعتراضات عمومی جامعه قرار گرفته و افق و دورنمایی فراسوی سرمایه داری در مقابل خود قرار داده، قادر شده به نحو مؤثر به رسالت تاریخی خود عمل نماید. تردیدی نباید داشت در شرایطی که میلیونها انسان در اردوی کار و زحمت، حاصل رنج وهستی شان به غارت میرود و در شرایطی که همه محرومیت های اقتصادی، اجتماعی و بی حقوقی های سیاسی که میلیونها انسان را به شورش می کشاند، همچنان پابرجایند، خیزش های نیرومند تر و گسترده تری در راه هستند. دانشجویان به مثابه یکی از شاخک های حساس جامعه میتوانند سهم بسیار ارزنده ای در تدارک این خیزش ها و ملزومات پیروزی داشته باشند.

گرامی باد ۱۶ آذر روز دانشجو

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران



در آستانه شانزدهم آذر ۱۳۳۲ چهار ماه بعد از کودتای ۲۸ مرداد، اعتصاب و تظاهرات دانشجویان در اعتراض به سفر معاون رئیس جمهور آمریکا و طراح اصلی کودتا، مورد حمله نظامی رژیم کودتا قرار گرفت. در جریان این حمله وحشیانه سه دانشجو به نامهای بزرگ نیا، قندچی و رضوی جان خود را از دست دادند.

به جرأت میتوانیم بگوئیم که در تمام این سالهای سپری شده، جنبش دانشجویی به مثابه یک جنبش اجتماعی و یکی از سنگرهای مقاومت و مبارزه در جریان کشمکش های سیاسی و طبقاتی و انقلاب و ضد انقلاب عمل کرده است. اگر در دوره رژیم ستم شاهی آنها نقش برجسته ای در اعتراضات توده ای آن دوره و سپس در شکل گیری و تأسیس گروهها و سازمانهای چپ و کمونیست و سمنگیری به سوی کارگران و زحمتکشان و دفاع و پشتیبانی از مبارزات آنان دارند، با سرنگونی رژیم سلطنتی و در حالیکه جدال عمیقی بر سر چگونگی ادامه انقلاب جریان داشت، دانشگاه یکی از سنگرهای انقلاب و عرصه ای بود که نیروهای سیاسی گوناگون در مقابل هم صف آرائی کردند. روند تثبیت ضدانقلاب اسلامی از جمله بر بستر سرکوب همه جانبه جنبش رادیکال دانشجویی صورت گرفت. اما با وجود این نه "انقلاب فرهنگی" رژیم اسلامی و هجوم افسارگسیخته ی باندهای حزب الهی و نه بازوان اصلاح طلبان حکومتی در دانشگاهها نتوانست سنت انقلابی، چپ و آزادیخواهانه دانشجویان را از مسیر پیشروی خود خارج سازد.

اگر بخش رادیکال جنبش دانشجویی با حضور آگاهانه خود در خیزش سراسری دی ماه سال ۹۶ و با توده ای کردن شعار "اصلاح طلب، اصول گرا دیگر تمامه ماجرا" نقش خود را در پایان دادن به سلطه گفتمان اصلاح طلبی بر فضای سیاسی ایران ایفا کرد، در خیزش آبان ماه نیز در همبستگی با تهیدستان شهری، محیط دانشگاه را به کانون اعتراض علیه تعرض رژیم اسلامی به سطح معیشت مردم و سرکوبگری های آن تبدیل کرد. جنبش دانشجویی که در سال گذشته با حضور در آکسیون های اول ماه مه و اعتراضات معلمان و بازنشستگان با سر دادن شعارهای "فرزند کارگرانیم کنارشان می مانیم"، "نان، کار، آزادی، اداره شورائی"، "دانشجو، کارگر، معلم، اتحاد اتحاد"، "دانشجو آگاه است با کارگرمراه است"، به روشنی جهت گیری طبقاتی گرایش سوسیالیستی در جنبش دانشجویی را بازتاب دادند، در خیزش آبان ماه هم فریاد اعتراض خود را با فریاد اعتراض تهیدستان شهری و جوانان عاصی از بیکاری در هم آمیختند. خیزش سراسری آبان در ادامه خیزش دی ماه ۹۶ باز هم صف بندی درون جنبش دانشجویی تغییر خواهد داد. اگر بعد از خیزش دی ماه شعارها و راهکارهای تشکل ها و نهادهای وابسته به اصلاح طلبان حکومتی رنگ باخت و قدرت بسیج خود را از دست دادند، با خیزش آبان ماه نیز توهم و خوشباوری به راهکارها و استراتژی سیاسی آن بخش از اپوزیسیون بورژوازی که گذار مسالمت آمیز از جمهوری اسلامی را موعظه می کردند فرو می ریزد و مبارزه برای سرنگونی



## اطلاعیه مشترک نیروهای چپ و کمونیست

### مبارزه انقلابی علیه جمهوری اسلامی ادامه دارد! اسرایمان را آزاد می کنیم!

نروند و با افشای تهدیدها و باجگیری‌ها عرصه را به حکومت تنگ کنند. دانشگاه‌ها و دانشجویان انقلابی ضروری است هر روز به عناوین مختلف اعتراض کنند، فضای اعتراض و مبارزه با حکومت را زنده نگاهدارند و خواهان آزادی فوری دستگیر شدگان شوند. در محلات ضروری است اجتماع و تظاهرات سازمان داد و فضا را بر سرکوبگران تنگ کرد. در مقابل ارعاب حکومتی اعتراضات خود را گسترش دهیم. تنها با گسترش اعتراضات خود می‌توانیم از اسرایمان حمایت کنیم و آنها را از زندانها آزاد کنیم. رژیم اسلامی هر زمان احساس کند که ما ترسیده‌ایم، مرعوب شده‌ایم، تردید کرده‌ایم، اسرای ما را بخون میکشد و حمله گسترده‌تری را سازمان میدهد. نباید به آنها فرصت دهیم.

فراخوان ما اینست که با اعتصاب و اعتراض و تظاهرات در اشکال مختلف بمیدان بیائیم. فعالین و پیشروان کارگری باید نقش رهبری و شایسته‌شان را ایفا کنند. در محلات ارگانهای انقلابی تشکیل دهیم و برای اعتراضات جاری و آتی قویتر و سازمانیافته‌تر و هدفمندتر بمیدان آئیم. قاتلین فرزندان ما باید جواب پس بدهند. یکصدا و متحد بمیدان بیائیم، دست به اعتصاب و اعتراض زنیم، در مقابل بازداشتگاهها اجتماع کنیم، خانواده جانباختگان را در هاله ای از همبستگی و محبت و همدردی انسانی قرار دهیم و نفرت و بغض های فروخورده را به آتشی بنیان برکن بدل کنیم. خارج کشور را باید به میدان گسترده اعتراض و کمپین‌های سیاسی و تبلیغی در دفاع از آزادی دستگیرشدگان خیزش آبانماه و کلیه زندانیان سیاسی تبدیل کنیم. جلب حمایت نهادهای ترقیخواه، تشکل‌های کارگری و تمامی انسان‌های آزاده در سراسر جهان می‌تواند هزینه سیاسی این جنایات و سرکوبگری‌ها را برای جمهوری اسلامی بالا ببرد. ما ایرانیان آزادیخواه در خارج کشور را به شرکت گسترده در اجتماعات اعتراضی که از سوی نیروهای چپ و کمونیست برگزار میشود دعوت میکنیم.

ما بار دیگر بر تقویت همبستگی و همسرنوشتی مبارزات انقلابی کارگران و مردم زحمتکش در ایران و عراق و لبنان و شیلی و هر گوشه جهان علیه فقر و استبداد و فساد تاکید می‌کنیم. مردم پیاخاسته در عراق و لبنان از اعتراضات آبانماه در ایران حمایت کرده‌اند و آنرا بدرستی جبهه‌های یک مبارزه واحد دانسته‌اند. ما این همبستگی بین المللی را ارج می‌نهیم و راسا برای گسترش آن تلاش میکنیم. ما سرکوب مخالفین و معترضین توسط دولتهای مستبد و مرتجع را محکوم میکنیم و خواهان آزادی بدون قید و شرط دستگیرشدگان این اعتراضات هستیم.

**سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!**

**زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!**

۱۰ آذر ۱۳۹۸ برابر ۱ دسامبر ۲۰۱۹

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران،  
حزب کمونیست کارگری - حکمیتست، سازمان راه کارگر،  
سازمان فدائیان (اقلیت)، هسته اقلیت.

خیزش انقلابی و توده ای آبانماه پایه‌های ارتجاع اسلامی و حکومت سرمایه‌داران را به لرزه درآورده است. تهیدستان شهری، جوانان بیکار و به حاشیه رانده شده‌گان زمانی که اعتراض آنها با سرکوب خونین و قهر عربان روبرو شد، هر آنچه نشانی از حکومت اسلامی و سرمایه داشت، از مراکز دولتی و مذهبی تا بانک‌ها و مراکز نظامی را مورد تهاجم قرار دادند. شهرها و محلات بصورت موقتی از دایره قدرت حاکمیت بیرون آمد. حکومت اسلامی که خود را در تنگنا می‌دید، با قطع اینترنت و تلفن و وسائل ارتباطی تلاش کرد جامعه ایران را قرنطینه خبری کند تا بتواند با خیال راحت دست به کشتار زند. جنایتکاران اسلامی صدها نفر را به قتل رساندند، تعداد بسیار بیشتری را زخمی کردند و هزاران نفر را بازداشت و روانه شکنجه‌گاهها کردند. سناریوی نخ‌نمای اعتراف‌گیری و پرونده‌سازی کلید خورد و رجزخوانان حکومتی جلو صحنه آمدند تا "پیروزی" شان را جشن بگیرند!

اما علیرغم این رجزخوانی‌ها، در سیمای سران حکومت از خامنه ای و روحانی تا دیگر مقامات دولتی، ترس و وحشت به وضوح آشکار است. اینان خوب میدانند که این انفجار توده‌ای سر ایستادن ندارد. کسانی که دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند، خیل گرسنگان و هیچ بودگان، اینبار با نفرتی عمیق‌تر برخواهند گشت. هنوز در شهرها و محلات و بویژه شب‌ها اعتراض و تهاجم به مقامات حکومتی ادامه دارد. حکومتی که در پاسخ به اعتراض به گرانی و فقر دست به اسلحه میبرد و کشتار میکند، اینبار باید منتظر باشد که با زبان اسلحه جواب بگیرد. امروز هیچ آخوند و عنصر حکومتی، علیرغم رجزخوانی‌شان، جرات ظاهر شدن در میان مردم را ندارد. اینان خوب میدانند که مہار اوضاع از دست‌شان دررفته است و هر "ارامش ظاهری" تنها مقدمه‌ای بر غرش طوفانهای بعدی است.

**کارگران، آزادیخواهان، زنان و مردان انقلابی!**

مبارزه برای سرنگونی حکومت فقر و فساد و استبداد و استثمار باید پیروز شود. جمهوری اسلامی صرفا با سرکوب موقتا سرپا مانده است و ما باید این مانع را درهم بکوبیم و از روی آن رد شویم. وقت آنست که اشکال متعدد مبارزه توده ای، اعتصابی، تظاهراتی و تهاجمی را ترکیب کنیم. تبلیغاتی که رژیم از تریبونهایش مبنی بر اعدام دستگیرشدگان راه انداخته است، تلاشی برای گسترش ارعاب، وقت خریدن و بازسازی صفوف درهم ریخته خویش است. ما در خیابانها نشان دادیم که ایندوره گذشته است. کسانی که با دست خالی در مقابل گلوله می‌ایستند، این سخنان تکراری دیکتاتوریهایی درحال سقوط را جدی نمی‌گیرند. اما نباید حتی یکروز به آنها اجازه دهیم که اسرای ما را زیر شکنجه و دور از چشم جهان در زندانها قربانی کنند. مبارزه سراسری برای آزادی زندانیان آبانماه و کلیه زندانیان سیاسی را باید با گسترش اعتراض و اعتصاب در اشکال مختلف پیش ببریم.

کارگران ضروری است علیه این موج سرکوب و کشتار فرزندانشان به اشکال مختلف اعتراض کنند، اولتیماتوم اعتصاب دهند و خواهان آزادی فوری زندانیان شوند. خانواده‌ها ضروری است زیر بار تهدیدهای امنیتی